



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515



د نگرهار والي:
پچیراکام ولسوالی
زیانمنې شوې سیمې
به بېرته ورغول شي

احمد ولي مسعود:
اگر یک روز امریکا پشت سر این نظام نباشد
روز دیگر سقوط خواهد کرد

صفحه ۶



مجلس سنا با نگرانی از رهایی
زندانیان حزب اسلامی و طالبان:
از تفاهم‌نامه سوء
استفاده نکنید

صفحه ۶

رییس جمهور غنی در ششمین دور نشست قلب آسیا: تروریستان بدون حمایت پاکستان یک ماه دوام نمی آورند




مجلس سنا با نگرانی از رهایی
زندانیان حزب اسلامی و طالبان:
از تفاهم‌نامه سوء
استفاده نکنید

صفحه ۳

در جریان پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی (MCG)



وزارت احیا و انکشاف دهات به منظور بهبود زنده گی روستاییان و کاهش میزان بیکاری و فقر در ولایات مختلف کشور، پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را به راه انداخته است که از برکت آن تعداد زیادی از هموطنان بی بضاعت و بیکار ما به کارهای سالم و مناسب دست یافته و از رهگذر اقتصادی نیز در زنده گی آنان تغییر قابل توجهی به میان آمده است.

در جریان تطبیق پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی، این پروژه در نگرهار زیبا و همیشه بهار نیز راه یافت و مردم شریف این ولایت هم توانستند که از مزایای این حرکت ارزشمند و مردمی بهره ببرند. این پروژه حفظ و مراقبت، عبارت از ترمیم سرک و کانال است که اکنون در روستای جلوان، یکی از قریه های ولسوالی سرخورد ولایت نگرهار به پایه اكمال رسیده و در حدود (۴۴۸) خانواده از مزیت های آن مستفید گردیده اند.

اضافه باید کرد که تطبیق این پروژه در حدود (۶۴۰۰۰۰) افغانی هزینه برداشته و به تعداد (۶۵) تن کارگر ماهر و (۱۳۴۰) تن کارگر غیر ماهر به کارگماشته شده اند که این تعداد جمعاً به (۱۴۰۵) تن کارگر ماهر و غیر ماهر می‌رسد.

با تطبیق پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، سهولت های عمده ترانسپورتی برای باشندگان قریه مذکور ایجاد شده تا روستاییان بتوانند، محصولات زراعتی شان را به آسانی و در زمان اندک به بازار عرضه نمایند. همچنان فاصله میان قریه ها و مرکز ولسوالی سرخورد با ترمیم سرک یاد شده، کوتاهتر شده است و مردم میتوانند از سهولت های زنده گی شهری بهره مند شوند. محمد نسیم یکی از باشندگان قریه جلوان که (۴۲) سال عمر دارد، چنین میگوید:
«در قریه ما تقریباً (۸۵) فیصد مردم، بیکار بودند که از آنجمله یکی هم من خودم بودم. من متکفل و سرپرست

دوازه سر عیال هستم. وضعیت اقتصادی من تا آن حد در سطح پایین بود که هیچ گفته نمیتوانم. زیرا، من کدام دستیار بزرگتر ندارم که در کارها یاری ام نماید. من به کسب روزی یک چاشت خود قادر نبودم. برای پیدا کردن یک لقمه نان به چندین ولایت سفر کرده و مشکلات زیادی را متحمل شده بودم، ولی بازم نتوانستم خوراک عادی خانواده خود را بدست بیاورم.

مگر الحمد لله، حالا که من و اهالی دیگر قریه در پروژه حفظ و مراقبت کار کردیم، هم مصارف ماه مبارک رمضان و هم خرج عید ما تدارک شد. دیگر اینکه خانم من به مرض قلبی دچار است، با همین پول توانستم معاینات او را هم به انجام برسانم. لذا مختصر گفته میتوانم که پروژه حفظ و مراقبت در قسمت صحتی و اقتصادی فامیل من و بازسازی و انکشاف تمام قریه، اثر بسیار مثبت به جا گذاشته است. مثلاً در قدم اول، سرک قریه ما تا آن حد تخریب و ویران شده بود که امکان عبور و مرور موتر در آن به آسانی، میسر نبود. مردم و موترها به مشکل زیاد از این سرک عبور میکردند و ماهیچ وقت به داکتر، کلینیک، مکتب، بازار و یا غم و شادی خود به موقع رسیده نمیتوانستیم. همچنان محصولات زراعتی ما نیز به موقع به بازار نمیرسید، اما حالا خوشبختانه تمام مشکلات ما از ناحیه سرک رفع شده است.»

عبدالرازق یکی از موسفیدان و متنفذین قریه مذکور که (۵۰) سال عمر دارد در زمینه میگوید:
«زمانیکه سرک ما ترمیم نشده بود، از سرک عمومی تا قریه، کرایه موتر یک نفر را (۴۰) افغانی پرداخت میکردیم. اما اکنون فی نفر (۲۰) افغانی کرایه موتر می پردازیم. ما همه اهالی قریه از حکومت وحدت ملی و خاصاً از وزارت احیا و انکشاف دهات تشکر میکنیم که برای ما زمینه کار و کسب معاش را فراهم میکند، سرک ها، کانالها و پروژه های زیر بنایی دیگر برای ما میسازد. از مراجع مربوط خواهش مندیم اینگونه پروگرام ها را که از یکسو تاحدودی جلو مسافرت جوانان را به مناطق دیگر و کشور های خارجی میگیرد و از جانبی هم یگانه سبب صلح و آرامی در کشور رماست، بیشتر از این، ازدیاد بخشند.»



احمد عمران



تا زمانی که مشکل قدرت سیاسی در افغانستان به گونه عادلانه حل نشود، دیدارها و گفت‌وگوهای درون‌حکومتی نیز به هیچ نتیجه‌ی نخواهد رسید. تجربه تاریخی نشان داده است که ما همواره تلاش کرده ایم مشکل قدرت در افغانستان را به صورت مقطعی و در تفاهم با چند چهره سیاسی حل کنیم، در حالی که چنین راه‌حلی فقط می‌تواند بر حجم مشکل بیفزاید و از آن زخم ناسور بسازد. اگر با چانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای میان‌فردی و حکومتی می‌شد مشکل افغانستان را حل کرد، بدون شک ساختار قدرت پس از کنفرانس بن، بهترین فرصت را برای آن مهیا کرده بود، ولی دیدیم از آنجایی که توزیع عادلانه قدرت در کشور صورت نگرفت، به محض روی کار آمدن دولت موقت و انتقالی، صدای ناراضی‌تی از هر سو بلند شد

کی‌ها نیستند. تا زمانی که مشکل قدرت سیاسی در افغانستان به گونه عادلانه حل نشود، دیدارها و گفت‌وگوهای درون‌حکومتی نیز به هیچ نتیجه‌ی نخواهد رسید. تجربه تاریخی نشان داده است که ما همواره تلاش کرده ایم مشکل قدرت در افغانستان را به صورت مقطعی و در تفاهم با چند چهره سیاسی حل کنیم، در حالی که چنین راه‌حلی فقط می‌تواند بر حجم مشکل بیفزاید و از آن زخم ناسور بسازد. اگر با چانه‌زنی‌ها و گفت‌وگوهای میان‌فردی و حکومتی می‌شد مشکل افغانستان را حل کرد، بدون شک ساختار قدرت پس از کنفرانس بن، بهترین فرصت را برای آن مهیا کرده بود، ولی دیدیم از آنجایی که توزیع عادلانه قدرت در کشور صورت نگرفت، به محض روی کار آمدن دولت موقت و انتقالی، صدای ناراضی‌تی از هر سو بلند شد.

گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های سیاسی وقتی ثمربخش اند و می‌توانند به مشکلات پایان دهند که مکانیسم و آجنندای فراگیر داشته باشند و بتوانند با نگاه ژرف و عمیق به مسأله قدرت در افغانستان، طرحی کلی و همه‌جانبه برای آن ارایه کنند. تا زمانی که ما به چنین طرح کلی و جامع برای رفع مشکلات خود دست نیافته باشیم، به یقین که گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های فعلی نیز هیچ دردی را دوا نخواهد کرد. از جانب دیگر، یک طرف قدرت در افغانستان چنان تمامیت‌خواهانه عمل می‌کند که به جای گفت‌وگو و چانه‌زنی، عملاً هدف‌های دیگری را سراغ می‌گیرد که در نهایت منجر به ایجاد تفرقه و متلاشی شدن هر گونه جناح مقابل و "دیگری" می‌شود. با چنین وضعیتی، نمی‌توان اعتماد کرد و وارد گفت‌وگوهای سیاسی شد. شاید حالا به صورت مقطعی به این نتیجه رسیده باشیم که برخی دستاوردها در کارنامه ما رقم خورده است، ولی در درازمدت بدون شک کل معادله وارونه خواهد شد و نتایج اسفناکی را به بار خواهد آورد.

چاره مشکلات را در کجا بجوییم؟

برسیم که مجبور شویم برای حل آن‌ها یا دست به دامن دیگران گردیم و یا از ابزارهای فراقانونی سود ببریم. به نظر من، جامعه هرگز خالی از اختلاف و تفاوت دیدگاه نیست و چنین جامعه‌ی بدون شک جامعه‌ی پویا و پیش‌رونده است که همواره مسأله دارد و برای حل آن‌ها مجبور است که با رایست و خرد سیاسی عمل کند. تا این جای کار، البته هیچ عیب و نقصی در دیدارها و گفت‌وگوهای جناح‌ها و سیاست‌مداران کشور متصور بوده نمی‌تواند. اما سؤال این‌جاست که با گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های یک‌جانبه می‌توان به آن نتایجی که کل جامعه را قانع سازد، دست پیدا کرد؟ این‌جاست که من فکر می‌کنم هرگز گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های گروهی و تباری، به هیچ پایان خوشی ختم نمی‌شوند. مشکل افغانستان، مشکل فلان کس با فلان کس دیگر نیست که با هم بنشینند و به یک نتیجه برسند. مشکل افغانستان، ریشه در معضلات تاریخی این کشور دارد که در پانزده سال گذشته نیز دست‌نخورده باقی ماندند. من با دیدگاه‌های احمدولی مسعود به عنوان مبتکر و طراح آجنندای ملی موافقم که راه‌حل بحران سیاسی افغانستان، در همگرایی و رسیدن به اجماع ملی نهفته است و نه این‌که کی‌ها در قدرت سیاسی شامل اند و

این روزها بازار شایعه و واقعیت به‌صورت عجیبی درهم تنیده شده است. گاهی سخن‌هایی می‌شنوی و گاه می‌خوانی که فلان چهره سیاسی با فلان چهره سیاسی دیگر، در حال گفت‌وگو و چانه‌زنی بر سر مسایل قدرت در کشور اند. فلان قوم اظهار نگرانی می‌کنند که اگر فلانی‌ها به هرم قدرت نزدیک شوند، وضعیت و آینده سیاسی ما چه خواهد شد. من کاری به این‌که شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی با یکدیگر می‌بینند و گفت‌وگو می‌کنند، ندارم و نگران آینده این‌گونه صحبت‌ها و گفت‌وگوها هم نیستم و حتا برخلاف برخی‌ها، از چنین گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌ها استقبال می‌کنم و باور دارم که راه‌حل مشکلات جامعه، در گفت‌وگو و مکالمه نهفته است و نه در توطیه و عمل‌کردهای پنهانی و ریاکارانه. آن‌هایی که با هم گفت‌وگو می‌کنند، لاقلاً چند اصل اساسی را پذیرفته‌اند؛ نخست این‌که می‌گویند ما در مسایلی با یکدیگر اختلاف داریم، دوم این‌که راه‌حل این اختلاف‌ها خشونت‌ورزی و نگاه خصمانه به یکدیگر نیست، سوم این‌که ما می‌توانیم از راه گفت‌وگو و چانه‌زنی به نتایج مثبت و سازنده در مسایل کشوری دست پیدا کنیم، چهارم این‌که ما نمی‌خواهیم که مشکلات خود را حفظ کنیم و سرانجام به چنان وضعیتی

سخن‌ماندگار علمای راستین دست به کار شوند

بحث افراطیت در دانشگاه‌ها و مسأله کیفیت مضمون ثقافت اسلامی در دانشگاه‌های کشور، سرانجام مجلس نماینده‌گان را واداشت که به منظور جلوگیری از ترویج افراط‌گرایی در نهادهای آموزشی و مدارس و مساجد کشور، وزیر ارشاد، حج و اوقاف و نماینده‌گان وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش، اطلاعات و فرهنگ و تحصیلات عالی کشور را استجواب کند. برخی از نماینده‌گان مجلس با انتقاد از وزارت ارشاد، حج و اوقاف گفتند که متأسفانه هیچ برنامه‌ی در برابر مبارزه با افراطی‌گری در افغانستان وجود ندارد و همین مسأله سبب شده که از سکوی برخی مساجد و مدارس، صدای داعش و طالب بلند شود.

هرچند افراطیت، مفهومی دیرینه در مباحث اسلامی است؛ اما مردم افغانستان در سه چهار دهه پسین بیشتر با این معضل گرفتار بوده‌اند. افراطیت در یک تعریف ساده، قرائت خشک و خشن از آموزه‌های دینی را می‌گویند که در نقطه مقابل قرائت‌های معتدل در جامعه اسلامی قرار دارد. به نظر می‌رسد که افراطیت در ابتدای تاریخ اسلام، از آمیزش آموزه‌های دینی با مسأله قدرت و بازی‌های سیاسی به میان آمده و تا اکنون، به انحای مختلف به حیات خود در شریان‌های جوامع اسلامی - از جمله افغانستان - ادامه داده است.

این‌که یک نماینده مجلس می‌گوید که شماری از دانشگاه‌های افغانستان به مرکز جلب‌وجذب نیرو برای داعش تبدیل شده‌اند، با همه صراحت نهفته در آن، هرگز کشفی نو و سخنی تازه و ادعایی بی‌بنیاد نبوده و نیست. اگر از برخی مساجد و مدرسه‌ها و دانشکده‌های شرعیات بگذریم، به دلیل پیشینه ذهنی و تاریخی افراطیت در جوامع اسلامی، ما حتا با بسیاری از افراد و اشخاص روبرویم که ظاهر دموکراتیک دارند و نان در نظام دموکراسی دینی افغانستان می‌خورند اما با ادبیات داعشی و کله طالبانی سخن می‌گویند و شعار سر می‌دهند. از این‌رو بسیار مهم است که علمای اعلم و اصلح دین، برای حل این معضل و تناقض ویرانگر، اقدامات بسیار جدی و اساسی را روی دست گیرند.

گفتیم «علمای اعلم و اصلح»، به این دلیل که برخی جاهلان و جاعلان نیز لباس عالمان دین را به تن کرده‌اند و برداشت‌های نازل و سفیهانه‌شان از اسلام را به مردم می‌فروشند. این عده را می‌توان بازرگانان دین نامید که کمتر بویی از جوهر عقلانی و اخلاقی اسلام نبرده‌اند و با سخنان میان‌تهی اما آتشین‌شان بدر نفرت را دل‌ها می‌کارند و با گزاره‌های ساده، بر ذهن‌های ساده جوانان و نوجوانان فرمانروایی می‌کنند. طرفه این‌که، شهرت و ثروتی که از این درک نصیب آن‌ها شده و می‌شود، باعث شده که به راه خویش (افراطیت و دین‌فروشی) ادامه دهند و جوامع را به پرتگاه سوق دهند.

اما اسلام اصیل و یا اسلام ناب محمدی، همان آیین انسان‌سازی و انسان‌دوستی‌ی است که پیامبر گرامی‌مان در گفتار و کردار آینه‌دارش بود. آیینی که در آن حتا بر ترحم به حیوانات و نباتات و از این دو مهم‌تر، ترحم به دشمنان و همسایه‌گان بد و دیگران‌دیشان تأکید شده است. آیینی که در سایه آن، پیامبرش به عبادت یهودی‌ی می‌رود که هر روز بر سر او خاکستر می‌ریخته و موجب آزار او می‌شده است.

بیماری افراطیت را فقط علمای واقعی دین می‌توانند از جامعه اسلامی بزدارند. هم‌اکنون جدا از داعش و طالب، جریان‌های دیگری مانند حزب تحریر و جمعیت اصلاح وجود دارند که به گونه نرم و زیرپوستی در حال اشاعه قرائت خشن از دین و افکار تروریستی در میان جوان‌ها اند. اگر از عقبه‌های مالی و استخباراتی این گروه‌ها چشم‌پوشیم، می‌توان گفت این‌ها همه گرفتار جهل و افراطیت‌اند و تلاش دارند همه را به سمت خود دعوت کنند. اما علمای دینی‌ی که با روح قرآن و سنت پیامبر رحمت آشنایند، می‌توانند با روشن‌گری، اصلاح‌گری دینی و معرفی اسلام ناب، این گمراهان را به جاده هدایت راهنمایی کنند.

علماء و دانشمندان راستین کشور می‌توانند اسلام را از قرائت‌های خشن و مبتنی بر حذف و نفي دیگری برهاند و الگویی از زیست مسلمان‌وار و انسان‌وار را به معرفی بگیرند که در آن هرگز تفاوت رای و نظر، جواز به قتل و رجم دیگری نمی‌دهد. دولت می‌تواند در هماهنگی با نهادهای دینی و مدنی مثل شورای علمای کشور، به این مهم جنبه عملی و اجرایی بپوشد.

رئیس جمهور غنی در ششمین دور نشست قلب آسیا:

ترورستان بدون حمایت پاکستان یک ماه دوام نمی آورند



© picture-alliance/dpa/R. Pal Singh

ششمین دور نشست قلب آسیا برای افغانستان با حضور ۴۰ کشور جهان در شهر امریتسر در کشور هند برگزار شد.

در ابتدای این نشست محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان به تشریح برنامه‌های اقتصادی و شرایط کنونی در افغانستان پرداخت و برنامه‌های دولت خویش را برای تقویت وضعیت اقتصادی، مبارزه با قاچاق و جنایات سازمان یافته بیان کرد.

رئیس جمهور غنی، در این نشست یادآوری کرد که عناصر تروریستی باید در دو طرف مرز افغانستان و پاکستان شناسایی و با آن با جدیت مبارزه شود.

آقای غنی یکبار دیگر خواهان مبارزه جدی و صادقانه پاکستان با گروه‌های تروریستی شد. او گفت که جنگ نااعلام شده در افغانستان شدت یافته است.

محمد اشرف غنی تأکید کرد که سال گذشته نیز افغانستان تلفات زیادی را متقبل شده است که این غیر قابل قبول است.

آقای غنی خاطر نشان ساخت که نزدیک به ۳۰ گروه تروریستی قسمی که سازمان ملل نام برده است تلاش دارند در افغانستان پایگاه ایجاد کنند.

وی با بیان این مطلب که شبکه‌های جنایتکار دهلیزی را برای فعالیت‌های جنایی فراهم می سازد، بیان داشت: ما نیاز به گفت‌وگو و تعامل شدید داریم به طوری که بتوانیم با اقتصاد جنایی منطقه مقابله کنیم.

رئیس جمهور تأکید کرد که برای تأمین امنیت در افغانستان تلاش‌ها جریان دارد.

او در بخش دیگری از سخنان خود به رابطه نزدیک و پایدار هند و افغانستان اشاره کرد و گفت که هیچ نوع رابطه پنهانی میان افغانستان و هند وجود ندارد. مردم افغانستان تلاش‌های هند را هیچ گاه نادیده نخواهند گرفت.

وی اظهار داشت که اتصال افغانستان با دیگر کشورها و گسترش سیستم ترانسپورتی، از گام‌های مهم دولت افغانستان است و تلاش‌ها برای وصل شدن افغانستان از راه ازبکستان به جهان ادامه دارد.

محمد اشرف غنی گفت که کاهش

در هزینه حمل و نقل تغییرات قابل مشاهده به زندگی مردم در افغانستان خواهد آورد و مردم این کشور را از فقر بیرون می‌سازد.

آقای غنی با بیان این مطلب که افغانستان با موقعیت در قلب آسیا می‌تواند سرمایه‌گذاران را اعتماد به نفس دهد، گفت که توانایی افغانستان در قسمت جذب سرمایه گذاری در بخش انرژی نشان می‌دهد که افغانستان در حال پیشرفت است.

رئیس جمهور هم‌چنان تأکید کرد که گفت‌وگوها به زودی درباره دهلیز هوایی میان افغانستان و هند آغاز می‌شود.

آقای غنی گفت این نشست در حالی تدویر یافته است که افغانستان با فرصت‌های بزرگ و تهدیدهای عمده روبه‌رو است.

رئیس جمهور غنی گفت که تروریست‌ها بدون داشتن پناهگاه در پاکستان حتی یک ماه هم دوام نمی‌آورند.

وی افزود: حتی یکی از رهبران کلیدی گروه طالبان نیز اذعان کرده است که پاکستان به آنها پناهگاه می‌دهد.

آقای غنی در بخش دیگر سخنان خود گفت که پاکستان وعده ۵۰۰ میلیون دالری براس بازسازی افغانستان داده است و بهتر است که این کمک‌ها برای مبارزه با تروریسم استفاده شود.

او گفت که ما باید گذرگاه‌های تروریسم را شناسایی کنیم و صندوق وجهی‌یی را برای مبارزه با این پدیده ایجاد نماییم.

هم‌چنان، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه نیز گفت که تقویت همکاری‌های منطقه‌یی رکن مهم سیاست خارجی افغانستان می‌باشد. به همین دلیل پروسه قلب آسیا در پیشبرد این هدف ضروری بوده، طوری که همه را قادر می‌سازد تا در شمار زیادی از مسایل امنیتی و توسعه‌ای مورد علاقه و هم‌چنان نگرانی مشترک همکاری نمایند.

آقای ربانی گفت: "علی‌رغم دست آوردهای ما در این پروسه، باید کارهای زیادی غرض رفع چالش‌های باقی‌مانده صورت گیرد. طولانی‌شدن تهدیدهای امنیتی توسط تروریسم و افرات گرابی از جمله

دغدغه‌های اصلی همه دولت‌ها است.

از سویی هم، نرنندرا مودی نخست وزیر هند با تأکید بر گسترش همکاری‌های منطقه‌یی در امر مبارزه با تروریسم می‌گوید که سکوت در برابر تروریسم و حامیان آن، آنان را جسور خواهد ساخت.

نرنندرا مودی، نخست وزیر هند در مراسم افتتاح "ششمین کنفرانس قلب آسیا" که صحبت می‌کرد، گفت که همه کشورهای منطقه باید با قاطعیت در برابر هراس‌افگنان و یاداران آنان مبارزه کنند.

آقای مودی با بیان این مطلب که مبارزه با تروریسم مسوولیت تمامی کشورهای منطقه است، اظهار داشت که تهدید افغانستان، برای همه کشورهای منطقه تهدید است و امنیت افغانستان برای همه امنیت است.

نخست وزیر هند، خواهان گسترش همکاری‌های منطقه‌یی در امر مبارزه با تروریسم شد و تأکید کرد که سکوت و بی‌حرکتی در برابر تروریسم در افغانستان و منطقه تنها تروریسم را جسور می‌سازد.

وی، یکبار دیگر حمایت هند از پروسه صلح افغانستان به رهبری افغانستانی‌ها را اعلام کرد.

آقای مودی در بخش دیگری از سخنان خود گفت که کمک‌های کشورش در تمام بخش‌ها با افغانستان ادامه خواهد داشت.

نخست وزیر هند با بیان این مطلب که کمک با افغانستان از هدف‌های ما است، اظهار داشت که رایزنی در مورد ایجاد دهلیز هوایی تجارتی میان هند و افغانستان به زودی آغاز می‌شود.

گفتنی است که ششمین کنفرانس قلب آسیا، با حضور نمایندگان ۴۰ کشور در شهر امریتسر در هند برگزار شد.

محورهای اصلی ششمین نشست قلب آسیا مبارزه با تروریسم و جست‌وجوی راه‌های تأمین صلح در افغانستان است و برعلاوه توسعه روابط اقتصادی و تجاری میان افغانستان و هند، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه نیز از موضوعات مورد بحث در این نشست است.

وزارت تجارت:

بهای مواد نفتی و گاز کاهش می‌یابد

مسوولان وزارت تجارت و صنایع می‌گویند که بهای مواد نفتی و گاز در کشور در روزهای آینده به تدریج کاهش خواهد یافت.

قربان حقجو معین تجارتي و وليد تميم رييس تصدي مواد نفتي وزارت تجارت و صنایع که در نشست روز یکشنبه (۱۴ قوس) مجلس سنا به سوالات سناتوران پیرامون افزایش بهای مواد نفتی صحبت می‌کردند، گفتند که هم‌اکنون مشکل واردات مواد نفتی حل شده و بهای تیل و گاز در روزهای آینده به تدریج پایین می‌آید.

قربان حقجو معین تجارتي وزارت تجارت و صنایع گفت که مشکل در سیستم مدیریتی مسایل تجارتي در کشور است و این مشکل نیز ناشی از نبود قوانین، ظرفیت و امکانات لازم می‌باشد که برای رفع آن به شورای عالی اقتصادی کشور پیشنهادتی را ارائه کرده است.

آقای حقجو خاطر نشان کرد که در سیستم اقتصادی و تجارتي کشور تغییراتی به وجود آمده ولی تا هنوز در ظرفیت، ساختار تشکیلاتی و قوانین تجارتي هیچ تغییراتی وارد نشده است.

ولید تمیم رییس تصدی مواد نفتی کشور نیز گفت که این تصدی تا زمانی که به شرکت تجارتي دولتی تبدیل نشود، مشکلات کماکان دامنگیر مردم افغانستان خواهد بود ولی پیشنهاد تغییر شخصیت این تصدی به شورای ملی فرستاده شده است.

آقای تمیم در مورد افزایش بهای مواد نفتی به ویژه گاز گفت که سه ماه پیش واردات افغانستان از ترکمنستان بدون

اطلاع قبلی قطع شد ولی با آنکه ذخایر کافی در کشور موجود بود با آنهم بهای مواد نفتی یکبارگی بالا رفت؛ ولی دولت در جستجوی راه‌های بدیل افتاد که هم‌اکنون راه‌های بدیل دریافت شده است.

به گفته وی، هم‌اکنون واردات مواد نفتی از روسیه، تاجکستان، ترکمنستان و ایران وارد می‌شود و بهای مواد نفتی بویژه گاز در روزهای آینده به تدریج تا حدود ۴۸-۵۲ افغانی پایین خواهد آمد.

او تأکید ورزید، در صورت که تصدی مواد نفتی به شرکت دولتی تغییر شخصیت پیدا کند، می‌تواند با عواید یک میلیارد دالری که این تصدی دارد به منظور کاهش مواد نفتی رقابت لازم را ایجاد کند.

به گفته وی، هم‌اکنون تصدی مواد نفتی نسبت نبود ظرفیت و امکانات لازم نمی‌تواند در بنادر تثبیت قیمت کند و روند اصلاحات جزئی در تصدی دولتی هم زمان زیادی را می‌برد و تقریباً این تصدی را بی‌کاره کرده است.

اما سناتوران می‌گویند که نگرانی‌ها از بهر افزایش بهای مواد نفتی همه ساله در ایام زمستان بیشتر می‌شود که مردم فقیر و بچاره از آن آسیب بیشتر می‌بینند.

پیش از این مقام‌های وزارت تجارت و صنایع گفته‌اند که مواد نفتی و گاز توسط تاجران در سرای‌های تیل فروشی به شکل مافیایی تعیین قیمت شده و ارزش جهانی آن هیچ تغییری نکرده است.

ولید تمیم در نشست مجلس سنا نیز گفت که تاجران هیچ گونه اسنادی خرید را در اختیار دولت قرار نمی‌دهند و تصدی مواد نفتی هم امکانات لازم برای تثبیت قیمت‌های مواد نفتی در اختیار ندارد.



قضیه نماینده جعلی شورای امنیت را جدی بگیرد

فعالان مدنی در بغلان گفته‌اند، نماینده خیالی شورای امنیت که سه روز پیش به این ولایت آمده بود، رازهای مهم امنیتی را کشف کرده و با تقدیر شماری از مسوولان محلی، جیب‌های آنان را خالی کرده است. آنان سقوط برخی از مناطق کشور و شکست نیروهای امنیتی را نیز به بی‌خبری مسوولان امنیتی پیوند داده و می‌گویند که اگر مسوولان حکومت این موضوع را جدی بازرسی نکنند، آنان به جاده‌ها ریخته و تظاهرات گسترده‌یی را راه‌اندازی خواهند کرد.

محمدعاطف عارفیان، از فعالان مدنی بغلان می‌گوید، حکومت باید این موضوع را جدی بررسی کند و دست‌های پشت‌پرده این دسیسه را شناسایی و مجازات کند. عبدالولی راجی، عضو شورای ولایتی بغلان نیز حکومت را به بی‌توجهی متهم کرده می‌گوید، این فرد در گذشته با مدارک جعلی سناتور و رییس تنظیم پولیس شمال، چنین جعل‌کاری را کرده بود، اما حکومت در مورد شناسایی‌اش هیچ توجهی نکرد.

نورحیب گل‌بهاری، فرمانده پولیس بغلان با تأیید این که از سوی فرد جعل‌کار تقدیر شده است به سلام‌وطندار



بخش سوم

ازدواج حال‌مان را خوب یا بدی؟

در یک بررسی نشان داده شد که رابطه خوب با همسر، سیستم دفاعی بدن را به میزان قابل توجهی تقویت می‌کند و این‌که حتی زخم‌های افرادی که رابطه خوبی با همسرشان دارند، زودتر خوب می‌شود. شاید یکی از علت‌های این باشد که وقتی ازدواج می‌کنید، کسی هست که مراقب شما باشد و در دوران بیماری و ضعف از شما پرستاری کند و این‌که کسی هست که مدام به شما می‌گوید: «مواظب خودت باش!»

نقش ازدواج در سلامتی روان هم به همین میزان ثابت شده است. نتایج یکی از این مطالعات بسیار جالب توجه بود: افراد متأهل کمتری، درصد افراد بستری‌شده در شفاخانه‌های روانی را تشکیل می‌دهند (بیشترین تعداد، مربوط به کسانی بود که در رابطه شکست خورده و از همسر خود جدا شده بودند). ازدواج می‌تواند شما را از گرفتاری به بسیاری از ناراحتی‌های روانی از جمله افسردگی نجات دهد، البته اگر در پی یک ازدواج غلط راهی تیمارستان نشده باشید!

ازدواج وضع‌مان را خوب می‌کند! متوسط درآمد سالانه متاهل‌ها بیشتر از مجردهاست. بعضی از تحقیقات نشان می‌دهد که مردان متاهل حتی تا سه برابر بیشتر از هم‌تایان مجردشان درآمد دارند. یکی از مطالعات جالب توجه که در سال ۲۰۰۴ در نشریه دیدگاه‌های روان‌شناسی به چاپ رسید، حاکی از این بود که احتمال صاحب‌خانه شدن متاهل‌ها ۷ برابر بیشتر از مجردهاست و متاهل‌ها ۸۰ درصد بیشتر از مجردها دارای ثروت و سرمایه و پس‌انداز هستند.

ازدواج یعنی شریک کردن زنده‌گی با شخصی دیگر و این شراکت نه فقط از نظر روانی و عاطفی، بلکه از نظر اقتصادی هم اتفاق می‌افتد؛ وقتی زنده‌گی مان را با کسی شریک می‌شویم، یعنی هزینه‌های مان، تلاش‌های مان و سرمایه‌های مان را نیز با هم شریک می‌شویم. اما مهم‌تر از مقرون به صرفه بودن، قولی است که خداوند در این‌باره به ما داده است: «مردان و زنان مجرد خود را همسر دهید، ... اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند. خداوند گشایشگر و آگاه است.» (۳۲، نور)

اما هیچ‌کدام از این‌ها به این معنا نیست که می‌شود با دست خالی هم ازدواج کرد و چشم به درگاه آسمان دوخت. همیشه گفته‌اند: از تو حرکت، از خدا برکت!

عشق واقعی را در ازدواج تجربه می‌کنیم «دوستت دارم» حتی خواندنش هم شیرین است، این‌طور نیست؟ در یک مطالعه که در سال ۲۰۰۰ توسط کونتز در ایالات متحده منتشر شد، بیان شد که مهم‌ترین چیزی که مردم از ازدواج انتظار دارند، عشق و ورزیدن و مورد عشق و محبت واقع شدن است.

در مطالعه‌ی دیگر، وقتی از افراد مجرد خواستند که بگویند با ازدواج نکردن چه چیزی را از دست خواهند داد، ۴۵ درصد مردان و سه‌چهارم زنان اعلام کردند «عشق و دوستی». زنده‌گی بدون عشق، برای اکثر ما معنایی ندارد.

ازدواج به زنده‌گی ما معنای بیشتری می‌دهد مارک تواین می‌گوید: «ازدواج دو خط شکسته را یکی می‌کند، به دو زنده‌گی بی‌هدف، کار می‌بخشد و نیروی هرکدام را برای انجام آن کار دوبرابر می‌کند. به دو سرشت جست‌وجوگر دلیلی برای زنده‌گی کردن می‌دهد و چیزی که به‌خاطر آن زنده‌گی کنند.»

ازدواج باعث می‌شود هدف‌مندتر زنده‌گی کنیم. اگر پیش از ازدواج هنوز «بچه مادر» بودیم، حالا دیگر همسر کسی هستیم و به زودی هم ممکن است پدر یا مادر کسی شویم...



بخش چهارم



آن‌ها می‌گویند تفرقه و شکاف میان انسان‌ها تنها به مرزهایی خلاصه نمی‌شود که میان پیروان آن دین و پیروان سایر ادیان به وجود می‌آید، بلکه هر دین مستعد این است که در درون آن نیز کسانی ادعا کنند که تعریف و تشخیص درست دین در اختیار آنان است و با بسیاری دیگر از پیروان همان دین حد و مرز پیدا کنند. این تجربه تقریباً در همه ادیان، خصوصاً ادیان بزرگ و مشهور بدون استثنا اتفاق افتاده است. حدیث هفتادوسه فرقه نیز تأیید بیشتری بر همین واقعیت تاریخی است. ساده‌ترین پاسخی که برای این انتقاد می‌توان داد این است که معایب یادشده همه به حالتی برمی‌گردد که دین تنها به مثابه هویت باشد.

اسلام و هویت در افغانستان امروز
در روزگاران دراز، شاید برای چندین سده، پُرخردارترین پیام دینی در منطقه‌ی که امروز افغانستان نامیده می‌شود، پیام عارفان مسلمانی بود که دین را حامل گوهر معنویت و راهی به جست‌وجوی حقیقت می‌دانستند و شریعت را طریقی برای رسیدن به این گوهر جاویدان به شمار می‌آوردند.

در مساجد، خانقاه‌ها، و حنا نشست‌های شبانه در خانه‌ها، مثنوی معنوی، مناجات‌نامه انصاری، کیمیای سعادت غزالی، حدیقه سنایی، تذکره الاولیای عطار، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ، و در دوره‌های پسین‌تر تفحات‌الانسی جامی و غزلیات بیدل سرچشمه‌هایی بودند که آموزه‌های دینی و اخلاقی از آن‌جا در رگ و تن زنده‌گی عمومی جاری می‌شد.

بر پایه این آموزه‌ها، اخلاقی در جامعه گسترش می‌یافت که بر ترک خودخواهی و خودپسندی، احترام به دیگران، بهای کم‌تر به ظواهر دادن و اصل را بر صفای باطن نهادن و عشق را بر عقل برتری بخشیدن، و در سایه آن جایی به هم‌زیستی با دیگر آفریده‌گان خدا جستن، نهاده شده بود. در اثر گسترش چنین اخلاقیات، دعوی هویت، کشمکش من و تو، نزاع ما و دیگری، و خصومت‌های ناشی از آن جای خود را به بردباری و گذشت می‌داد، و گویا همه با حافظ در این سخن هم‌نوا شده بودند که: با دوستان مروت، با دشمنان مدارا.

این‌ها نه به این معناست که هیچ جنگ و نیرنگی در کار نبود، بل گاه جنگ‌هایی خونین و خانمان‌برانداز نیز رخ می‌داد اما این جنگ‌ها عمدتاً به دست حاکمان زیادطلب، پادشاهان کشورگشا و فاتحان سیری‌ناپذیر برپا می‌شد و گاه رنگ دینی به آن زده می‌شد، و طبیعتاً دامن مردمان بی‌گناه را نیز می‌گرفت.

با این‌همه، سپهر ارزشی جامعه همان بود که از آموزه‌های صوفیان عارف به‌دست می‌آمد، و حتی حاکمان جنگ‌افروز نیز هرچند بدان‌ها عمل نمی‌کردند، اما به مثابه هرم ارزشی جامعه قبولش داشتند و گاه بر آن اساس، دچار پشیمانی و عذاب وجدان می‌شدند. به‌خاطر قصوری که از این بابت حس می‌کردند.

دین به مثابه هویت

محمد محق

می‌شود. یکی از دلایلی که در درون هر دین مذهبی شکل می‌گیرد، به همین موضوع برمی‌گردد. در صدر اسلام، در نخست مسلمانان یک نام و لقب مذهبی بیشتر نداشتند و آن «مسلم» یعنی مسلمان بود، و با این هویت از غیرمسلمانان شناخته می‌شدند. هنگامی که قلمرو حکومت مسلمانان گسترش یافت و جمعیت‌های بزرگی به اسلام گرویدند، دیگر این نام نمی‌توانست آن نقش هویت‌ساز را به گونه‌ی داشته باشد که گروه‌های سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه بر پایه آن بر رقیبان خود پیشی بگیرند و از آنان جدا شوند. بدین ترتیب بود که خرد هویتهای مذهبی درون‌دینی در میان مسلمانان شکل گرفت، چه بر پایه گرایش‌های سیاسی مانند علوی، اموی، عباسی، خوارجم، و چه بر پایه تخصص‌های علمی مانند محدثین، فقها، زهاد، و چه بر پایه‌های سیاسی-زبانی مانند عربی، موالی، شعوبی، چه بر پایه‌های فرقه‌ی مانند سنی، شیعی، خوارجمی، مرجئی، و چه بر پایه‌های فقهی مانند حنفی، شافعی، حنبلی، مالکی، جعفری، و چه بر پایه گرایش‌های عرفانی مانند نقش‌بندی، چشتی، قادری، سهروردی، شاذلی، رفاعی، سنوسی، و چه بر پایه‌های کلامی، مانند اشعری، ماتریدی، اهل حدیث، معتزلی. این روند در طول تاریخ اسلام ادامه داشت و هر چه زمان گذشت، هویت‌های جدیدی در درون هر مجموعه کلان شکل گرفت، تا امروز که شاهد هویت‌های تازه‌ی هستیم مانند سلفی، سلفی جهادی، اخوانی، دیوبندی، مودودی، بریلوی، شیعه حزب‌اللهی، شیعه ملی مذهبی، و ده‌ها هویت دیگر که برخی بر پایه گرایش سیاسی تعریف می‌شوند و برخی بر پایه گرایش‌های فرهنگی و برخی دیگر بر پایه گرایش‌های دیگر. این روند در آینده نیز ادامه خواهد یافت و نسل‌های آینده شاهد تولد هویت‌های تازه‌ی خواهند بود که به مقتضای شرایط آینده و تحولاتی که رخ می‌دهد، به وجود خواهند آمد.

برای نمونه، کسی به زبان فارسی علاقه‌مند است به این دلیل که زبان مادری اوست. با شعر و ادب فارسی آشنا شده و با زیبایی‌های آن انس گرفته است. او تصور می‌کند که زبان مادری او، بهترین زبان دنیاست. مدتی بعد اما موفق می‌شود به مطالعات زبان‌شناختی روی آورد. او متوجه می‌شود که از منظر این علم، هیچ زبانی وجود ندارد که زبان کامل و بی‌نقص باشد. همه زبان‌ها از برخی نارسایی‌ها رنج می‌برند و زبان فارسی هم مشمول این حکم قرار می‌گیرد. در آن‌جا، به‌صورت منطقی با این نارسایی‌ها در زبان فارسی آشنا می‌شود، مثلاً بدان‌گونه که رضا باطنی، زبان‌شناس برجسته زبان فارسی، نشان داده است. او در نهاد خود به این باور می‌رسد و موضوع برایش تبدیل به یکی از مسلمات علمی می‌شود. تا این‌جای کار به‌راحتی پیش می‌رود. اما فرض کنید که او فردا به محفل کسانی می‌رود که زبان مادری‌شان غیر از فارسی است. محفل طبعاً مربوط به متخصصان علم زبان‌شناسی نیست و مباحث هم از این منظر طرح نمی‌شود. در آن محفل کسی یا کسانی به خردگیری از زبان فارسی می‌پردازند و از این زبان شروع به عیب‌جویی می‌کنند. ممکن است پاره‌ی یا همه این ایرادها، طبق آنچه زبان‌شناسی نشان داده است درست باشد، اما چون نه از پایگاه یک بحث علمی بی‌طرفانه، بلکه از منظر هجوم‌گوینده‌گان زبان دیگری بر زبان فارسی مطرح شده است، آن کسی که زبان مادری‌اش فارسی است، نمی‌تواند در این موقعیت بی‌طرف بماند. نه این‌که از نظر منطقی آن ایرادها را سست و بی‌پایه می‌داند، بلکه از این حیث که به یکی از عناصر هویت او تعرض کرده است. زبان فارسی به عنوان مثال آورده شد، ورنه این موضوع درباره گوینده‌گان هر زبان و حتی دارنده‌گان دیگر هویت‌ها نیز صادق است. این موضوع درباره وابستگی‌های حزبی، منطقه‌ی، مذهبی و... نیز صادق است. در تمام این‌گونه موارد، عنصر هویت به‌خاطر ریشه‌های روانی‌اش سبب موضع‌گیری، واکنش و رفتارهایی می‌شود که گاه منطقی بدون مینا به نظر می‌رسند. دین به مثابه هویت، ابزاری برای جداسازی

استعاره و زبان

دیدگاه کلاسیک نسبت به زبان و استعاره، استعاره را «انفکاک ناپذیر» از زبان می‌داند؛ صناعتی که می‌توان برای حصول تأثیرات ویژه و از پیش‌اندیشیده وارد زبان کرد. این تأثیرات به زبان کمک می‌کنند تا به آنچه هدف اصلی‌اش تلقی می‌شود برسد، یعنی افشای «واقعیت جهانی» که بلا تغییر و رای آن قرار دارد. این دیدگاهی است که می‌توان آن را رمانتیک نامید و به موجب آن، استعاره از زبان جدایی‌ناپذیر است؛ زبانی که بالضرورة استعاری است و واقعیتی که در نهایت محصول غایی کنش و واکنش اساسا استعاری کلمات است

علیرضا محمدی

استعاره مفهومی کمکی است که برای رساندن مفاهیم سخت و دیرپای از جهان هستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم اسطوره و هم فلسفه، زبانی استعاری دارند که جهان بیرون ذهن را با کمک استعاره به جهان ذهنی تقلیل می‌دهند تا آن را قابل فهم سازند. در هر دو مورد، ما در واقع با تلاش بشری روبه‌رو هستیم که برای گریز از امر ناشناخته برای غلبه بر ترس از طبیعت ناشناخته، سعی کرده تا آن ناشناخته بیرونی و درونی (طبیعت بیرونی و درونی) را نظم ببخشد و آن را معنادار ساخته تا بتواند آن را تحمل کند. بی‌شک فقدان عناصر قدرت‌مندی مثل وزن، قافیه و استعاره، ضربه مهلکی بر استدلال انتزاعی در فلسفه وارد می‌کند.

ویکو ادعا می‌کند که همین تمایزی که بین «حقیقی» و «استعاری» قایل هستیم، تنها در جوامعی دیده می‌شود که توانایی تفکر انتزاعی را کسب کرده‌اند. هر جا که تفکر «انضمامی» است، مثل مورد کودکان، یا در آنچه مردم‌شناس فرانسوی، کلود لوی اشتراوس «ذهن وحشی» نامیده است، چنین تمایزی وجود ندارد. خلاصه آن‌که استعاره «گل و بته‌دوزی» تفننی بر امور واقع نیست؛ راهی است برای تجربه کردن آن امور واقع؛ راهی است برای اندیشیدن و زنده‌گی کردن؛ نمایش خیالی حقیقت است.

اگر زبان را نظامی سازمند، قایم به ذات و خودمختار بدانیم، تجربه را با شرایط خود و به روش خود تقسیم‌بندی می‌کند و در جریان این فرآیند، «قلب» خاص خود را بر جهان آن‌هایی می‌زند که به این زبان سخن می‌گویند.

پس در نتیجه، زبان و تجربه کنش و واکنش دارند و تردیدی باقی نمی‌گذارد که چنان در اساس درهم ادغام شده‌اند که دشوار می‌توان آن‌ها را دو وجود مجزا دانست. زبان، واقعیت را به هیأت خود خلق می‌کند، پس کاربرد زبان به این شکل، اساسا مستلزم آن است که از طریق یک نوع واقعیت به واقعیت دیگر برسد. این فرآیند در اساس فرآیندی «انتقالی» است و استعاره به عنوان یکی از مفاهیم زبانی نقش به‌سزایی در این مورد دارد.

واژه *metaphor* از واژه یونانی *Metaphora* گرفته شده که خود مشتق است از *Meta* به معنای «فرا» و *Pherein* به معنای «بردن».

مقصود از این واژه، دسته‌خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر



نامه نیما پوشیچ به همسرش

بتوانم جریان باد را از وسط ابرها ممانعت کنم؛ آن وقت می‌توانم به قلبم تسلط داشته، این سرنوشت را که طبیعت برایم تعیین کرده است، تغییر بدهم. ولسی قدرت انسان، به عکس خیالاتش محدود است.

من همیشه از مقابل گل‌ها مثل نسیم‌های مشوش عبور کرده‌ام. قدرت نداشته‌ام آن‌ها را برلزانم. در دل شب‌ها مثل مهتاب

بر آن‌ها تابیده‌ام. نخواسته‌ام و جاهت آسمانی آن‌ها پنهان بماند.

کدام یک از این گل‌ها می‌توانند در دامن خودشان یک پرنده غریب را پناه بدهند؟ من آشیانه‌ام را، قلبم را، روی دستش می‌گذارم.

کسی می‌تواند ابرهای تیره را بشکافد، ظلمت‌ها را برطرف کند و ناجورترین قلب‌ها را نجات بدهد؟

عالیه، تو!... تو می‌توانی!

می‌دانی کدام ابرها، کدام ظلمت‌ها؟ شب‌های درازی بوده‌اند که شاعر برای گل موهمی که هنوز آن را نمی‌شناخت، خیال‌بافی می‌کرده است. ابرها موانعی بوده‌اند که مطلوبش را از نظرش دور می‌کرده‌اند.

آن گل تو بودی. تو هستی. تو خواهی بود!

چه قدر محبوبیت و ممانعت تو را دوست می‌دارم گُلِ محجوبِ قشنگِ من!

هر شخصیت بزرگ و ماندگاری برای خود مشخصه‌هایی دارد که او را از دیگران متمایز کرده و در ذهن و قلب مردم ماندگار می‌کند. نوشته‌ها و شعرهای بزرگان ادبیات هم یکی از وجوه تمایز آن‌هاست؛ نوشته‌های زیبایی که آن‌ها با تمام وجود نوشته‌اند. یکی از زیباترین نامه‌ها به زبان فارسی، نامه‌های ماندگار نیما پوشیچ است؛ نامه‌هایی که در اکثر موارد نیما به برادر خود نوشته، اما نیما پنج نامه خاص برای همسر خود دارد که از همه نامه‌های او جداسست و از زیباترین نامه‌های عاشقانه به زبان فارسی است.

آن‌چه در ادامه می‌آید، یکی از این نامه‌هاست:

«بیبا! عزیزم! تا ابد مرا مقهور بدار. برای این‌که انتقام زن را از جنس مرد کشیده باشی، قلب مرا محبوس کن. اگر بتوانم این ستاره قشنگ را به چنگ بیاورم! سلسله پُربرف البرز را به میل و سماجت خود از جا حرکت بدهم! اگر



احمد ولی مسعود:

اگر یک روز امریکا پشت سر این نظام نباشد روز دیگر سقوط خواهد کرد



تا زمینه تغییر فراهم گردد.
- تغییر نظام سیاسی باید به گونه هدفمند، سنجیده شده و با مدیریت دقیق صورت گیرد تا چالش ایجاد نگردد.
- پول خارجی نقطه ضعف این نظام است و بیشترین رهبران نظام وابسته به خارج اند.
- اگر همین امروز امریکا پشت سر این نظام نباشد روز دیگر سقوط خواهد کرد.
- تا هنوز نیم میلیون دالر به مصرف رسیده است تا از مجراهای مختلف رییس

به ادامه سلسله نشست‌ها با جوانان و بحث پیرامون وضعیت جاری در کشور، نکات ارزشمندی بیرون داده شد:
- نظام سیاسی موجود، مادر همه مشکلات افغانستان است، تا این نظام فسادپرور تغییر نکند، هیچ مشکل کشور راه حل نخواهد داشت.
- در یک اجماع متشکل از نماینده‌گان احزاب، نهادها، نخبگان از اقلیت مختلف، جوانان... همه دست به دست هم دهند

د ننگرهار والي:

پچیراگام ولسوالی زیانمنې شوې سیمې به بېرته ورغول شي



د ننگرهار والي محمد گلاب منگل وايي، د پچیراگام ولسوالۍ هغه ټولې سیمې به ورغوي چې د تېرې میاشتې په موده کې د داعش وسله‌والو له خوا زیانمنې شوي دي. والي محمد گلاب منگل دا څرگندونې د شنبې په ورځ د پچیراگام ولسوالۍ څخه د لیدنې پر مهال وکړې چې د دې ولایت امنیتي ارگانونو مسؤلینو او د ولایتي شورا استازو ورسره ملتیا کوله.

نوموړې په پاس پچیر سیمه کې رسنیو ته وویل، د دې ولسوالۍ ټولې سیمې د داعش له وسله‌والو پاکې شوي او هغه سیمې چې په تېرو جگړو کې زیانمنې شوي هغه به ډېر ژر ورغوي. نوموړی وايي:

"له دې وروسته به زموږ پلاوي دې سیمې ته راځي او د هغو کلنیکونو، ښوونځیو او د خلکو د کورونو سره ترسره کوي چې په تېرو جگړو کې زیانمنې شوي دا به ټول انشاءالله رغول کېږي."

نوموړې وویل، د دې په خاطر چې په دې سیمه کې د بیا ځل لپاره د داعش د گواښ مخنیوی وشي په سیمه کې به نوې امنیتي پوستې جوړې شي.

ښاغلی منگل وايي:

"د ولسي مدافعينو لپاره به سنگرونه جوړوو او د دې لپاره چې بیا داعش دې سیمې ته رانه شي هغه پلانونه چې د امنیتي ارگانونو ترتیب کړي دي هغه به انشاءالله ترسره کوو."

اوس مهال د افغان امنیتي ځواکونو خط د پاس پچیر سیمې څخه ور هاخوا د هارون بابا کنډاو ته رسېدلی دی.

دلته افغان سرتیري وايي، دوی د خپلې وینې په بدلله د خپلې خاورې نه دفاع ته تیار دي: "زه ارسلاخان د شپږم کنډک سرتېری یم دا عملیات موږ د پچیراگام نه شروع کړي او هارون بابا کنډو ته مو رسولي انشاءالله داعشیان نه کامیابېږي دا وطن زموږ دی موږ سر ورکوو خو سنگر نه ورکوو.

- زه خیربیک ظفرخیل د ملي اردو د شپږم کنډک سرتېری یم دا عملیات چې ډېر سخت و، موږ ښه په کامیابۍ خلاص کړل او خلکو ته ډاډ ورکوم چې موږ د خپل سر نه تېر یو خو چاته اجازه نه ورکوو چې زموږ په خاوره یرغل وکړي."

شاوخوا یوه نیمه میاشت وړاندې د داعش وسله‌والو د پچیراگام ولسوالۍ په پاس پچیر سیمه حمله وکړه چې د سیمې د خلکو په خبره داعش وسله‌والو د خلکو په لسگونو کورونه وسوزول او د سیمې خلک دې ته اړ شول چې نورو سیمو ته کډه شي.

مجلس سنا با نگرانی از رهایی زندانیان حزب اسلامی و طالبان:

از تفاهم‌نامه سوء استفاده نکنید

منابع امنیتی نیز تایید کرده‌اند که قرار است با چهره و هویت زندانیان حزب اسلامی، شماری از افراد وابسته به گروه طالبان، قاچاقچی‌های مواد مخدر و زندانی‌هایی که پرونده‌های جنایی دارند، از بازداشتگاه‌ها بیرون کشیده شوند.
در دوره حاکمیت حامد کرزی چندین بار زندانیان طالبان از بازداشتگاه‌ها آزاد شدند اما پس از مدتی دیده شد که این زندانیان سلاح به دست گرفته و دوباره در سنگرهای طالبان با دولت وارد جنگ شدند.

تفاهم‌نامه صلح با حکومت وحدت ملی سوءاستفاده نکند.
آقای مسلمیار تأکید کرد که تنها زندانیان سیاسی و معتقد به صلح با دولت افغانستان از زندان آزاد شوند تا در آینده برای مردم مشکل‌ساز نشوند.
با این حال سناتورها از دولت می‌خواهند تا در رهایی زندانیان حزب اسلامی دقت بیشتر را به خرج دهند.
بر مبنای گفته‌های حزب اسلامی، این حزب عملاً ۲۶۰۰ زندانی در بازداشتگاه‌های افغانستان دارد.

شماری از اعضای مجلس سنا از پیامدهای خطرناک رهایی زندانیان حزب اسلامی در کشور ابراز نگرانی می‌کنند.
اعضای مجلس سنا که در نشست روز یکشنبه این مجلس صحبت می‌کردند، اعلام کردند که براساس تفاهم‌نامه صلح با حزب اسلامی قرار است حدود ۲ هزار زندانی حزب اسلامی آزاد شود.
گفته شده که برخی از اعضای برجسته گروه طالبان نیز قرار است همراه زندانیان حزب اسلامی آزاد شوند.
به گفته آنها، نگرانی‌هایی وجود دارد که رهایی این زندانیان مانند گذشته برای کشور دردسرساز خواهد شد.

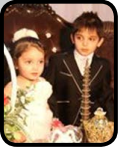


بر اساس تفاهم‌نامه صلح میان دولت وحدت ملی و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، هیات مذاکره‌کننده این حزب با دیدار از زندان‌های کشور، به شناسایی اعضای در بند این حزب می‌پردازد و اعضای حزب اسلامی بعد از شناسایی از زندان آزاد خواهند شد.

امین کریم، رئیس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی حکمتیار چند روز قبل گفت که قرار است چهارصد زندانی این حزب در جریان هفته پیش رو آزاد شوند.
گفته می‌شود در میان این زندانیان که قرار است آزاد شوند، شماری از زندانیان طالبان، قاچاقچی‌های مواد مخدر و متهمان به جرم‌های جنایی حضور دارند.
فضل‌هادی مسلمیار، رییس مجلس سنا از حزب اسلامی حکمتیار می‌خواهد تا از

فیسبوک نامه

رحمت الله بیگانه



خود قهرمان شوم!

بها نه برای خوشی، خوب است. اما علاقه مندی مفرط پیر و جوان افغانستان را به بازی فوتبال رئال مادرید و بارسلونا دیدم، فکر کردم اگر بخش کوچکی از این توجه و علاقه مندی به سرنوشت کشور خود ما صورت می گرفت، حالا ما دیگر روزگار بدی نمی داشتیم. این پیروزی به سرنوشت ما تغییری نمی آورد، آن ها به خود افتخار کمایی کردند. فراموشی خیلی عادت زشت است، مگر ما فراموش کردیم که جوانی به جرم هیچ توسط طالبان به دار آویخته شد. مگر ما این قدر فراموش کاریم که یکروز قبل وقتی ظالمان طالب بی رحمانه زن و کودک قندهاری را به رگبار بست؛ حداقل لعنتی به طالب و تفکر طالبانی نمی فرستیم. واقعاً ملت عجیبی هستیم! سزاوار این گونه از خود بیگانه گی ها، یک عمر در به دری است که ما به آن گرفتاریم.

ملک ستیز



ما برای اهانت و شکنجه خود دولت نساخته ایم!

به باورم، شهروند یک نهاد ارزش مند است. این نهاد ارزش مند، دولت بزرگی را در خود جا داده است. یگانه عاملی که شهروند را پریشان ساخته، ندانستن قدرت بزرگی است که در انتخاب «رأی» او نهفته می باشد. شهروند برای این که قدرتش را به «اقتدار مشروع» تبدیل کند، دولت را می سازد. پس این دولت ها هستند که باید در خدمت شهروندان قرار گیرند، نه آن که مدیران دولت ها شهروندان شان را اهانت کنند. شهروند برای تمثیل اقتدار مشروع، اصل تفکیک قوا را در ساختار نظام سیاسی مطرح کرد تا دولت ها جایگاه خود و شهروندان را به درستی شناسایی کند.

فلسفه تفکیک قوا در دولت یعنی چه؟

برای آن که دولت ها بتوانند برنامه های قانون سازی، اجرایی و قضایی خود را با مسوولیت، تعهد و در عین حال پاسخ گوئی در برابر هم دیگر انجام دهند، اصل تفکیک قوا را برگزیدند. اندیشه حاکمیت قانون در برابر عمل کرد حکومت را ارسطو، فیلسوف یونانی در کتاب «سیاست» سه صد سال قبل از میلاد به بحث گرفت. در سده هفدهم جان لاک، فیلسوف و سیاست شناس انگلیس که از پیروان قرارداد اجتماعی و تفکیک قوا در نظام سیاسی بود، این اندیشه را ترویج بیش تر بخشید. لاک شهروند را جوهر قرارداد اجتماعی دانست و قدرت را به لایه های قانون، حکومت و عدالت دسته بندی کرد.

در سده هفدهم، مانیتسکیو روشن گر، حقوق دان و سیاست شناس معروف فرانسوی اصل تفکیک قوا را گسترش بیش تر بخشید و آن را به مثابه یگانه جایگزین برای حکومت های خودکامه پیش کش کرد. به باور مانیتسکیو، پارلمان ها چشم نظارتی شهروندان از عمل کرد حکومت ها هستند. مانیتسکیو با پخش این تئوری انقلاب ارزش مندی را در فرهنگ علوم سیاسی بر پا کرد. در حقیقت، اصل تفکیک قوا جایگاه شهروند در ساختارهای نظام و شکوه مندی مردم سالاری از مهم ترین پی آمدهای عصر روشن گری به حساب می آید. آیین تفکیک قوا در سده های نوزدهم و بیستم در فرهنگ علوم سیاسی عمومیت یافت و به مقبول ترین روش نظام مند برای دولت های مدرن تبدیل شد.

برای نظام هایی که تازه به مردم سالاری گام گذاشته اند، ترویج آیین تفکیک قوا از چالش برانگیزترین برنامه های دولت سازی به شمار رفته است. تفکیک قوا از به رسمیت شناسی استقلال سیاسی و حرفه یی هر سه نهاد اساسی دولت (قوة تقنینی، اجرایی و قضایی) آغاز می شود که از سوی قانون اساسی مشروعیت می پذیرد. سپس این سه نهاد کارویژه ها و رهنمودها و ساختاری خود را تشخیص و تعیین می کنند. مرحله سوم، شکل دهی دکترین یا ظرفیت حرفه یی این نهادها را می سازد، تا این نهادها بتوانند عمل کرد تخنیکی و قانون مند انجام دهند. اگر یک دولت را به یک انسان تشبیه کنیم، قوة تقنینیه مغز انسان است که برنامه می ریزد و تصمیم اتخاذ می کند. دست ها، پاها و عضلاتی که آن ها را نیرو می بخشد، قوة اجرایی انسان است. قلب، ضمیر و جدان بر عمل کرد انسان قضاوت می کند، بنا قوة قضایی و عدلی انسان است. حالا اگر این سه ارگان انسان با هم دیگر هم آهنگ و سازگار هستند، ما با انسانی مواجه هستیم که شعوری، سازنده و عادل عمل می کند. اما اگر یکی از این ارگان ها با دو ارگان دیگر تناقض دارد، عمل کرد و بازده انسان دچار چالش های فزاینده می شود. دولت ها نیز چنین هستند. یادداشت: امیدوارم این نوشته را وزیر مالیه و والی ننگرهار که در این اواخر شهروندان عزیز را اهانت و لت و کوب کرده اند مرور کنند و جایگاه خود را در برابر شهروندان بشناسند.

کشور

جهان نا

ترامپ:

نیازی به دیوار کامل در مرز امریکا و مکزیک نیست

رییس جمهوری منتخب امریکا برخلاف قول های انتخاباتی اش گفته است، نیازی به ایجاد دیوار کامل در مرز امریکا و مکزیک نیست؛ چون این منطقه به قدر کافی کوهستان و رودخانه های صعب العبور دارد.

دونالد ترامپ، رییس جمهوری منتخب امریکا در مصاحبه یی با شبکه خبری فاکس نیوز گفته است که دیگر نیازی به ساخت این دیوار نیست، چون منطقه مرزی میان امریکا و مکزیک به قدری صعب العبور است که مهاجران و پناهنده گان به سختی می توانند از آن عبور کنند.

او ادامه داد: این جا دقیقاً جاهایی است که نیازی به ساخت دیوار در آن دیده نمی شود؛ کوهستان های سخت و رودهای خروشان، امکان عبور را برای مهاجران و پناهجویان سخت می کنند.

ترامپ البته نتوانست بگوید که این موانع طبیعی دقیقاً در کجای مرز میان امریکا و مکزیک قرار دارد، اما تأکید کرد که به قولش برای متوقف کردن مهاجران و پناهجویان مکزیکی که می خواهند به صورت غیرقانونی وارد امریکا شوند، پایبند می ماند، چون این مسأله یکی از بخش های اصلی در مبارزات انتخاباتی اش محسوب می شد.

رییس جمهوری منتخب امریکا هم چنین گفت: ما می خواهیم یک دیوار بسازیم یک دیوار واقعی، چون می خواهیم از ورود و قاچاق مواد مخدر به داخل امریکا جلوگیری کنیم. ما می خواهیم مردم وارد کشور ما شوند، اما به صورت قانونی. به همین دلیل می خواهیم دیواری بزرگ ایجاد کنیم یک دیوار واقعی.

ایجاد دیوار سراسری بین ایالات متحده و مکزیک یکی از قول های انتخاباتی ترامپ بود، اما پس از اعتراض های فراوان و هزینه بر بودن طرح مذکور، حالا ظاهراً او از این امر کوتاه آمده و برای توجیه مسأله از مواردی مثل وجود کوه و رودخانه در مرز دو کشور می گوید.

مرز ۳۲۰۰ کیلومتری میان امریکا و مکزیک بین کالیفرنیا و تگزاس تحت کنترل ترین مرز بین المللی است. در بخش هایی از آن یکسری دیوار کوتاه و حصار است که برای جلوگیری از ورود غیرقانونی ایجاد شده و حسگرها و دوربین هایی نیز در سراسر آن نصب شده است.

انتخابات ریاست جمهوری ازبکستان آغاز شد

رأی دهنده گان ازبکستانی دیروز (یکشنبه) برای نخستین بار از زمان فوت رییس جمهوری خود که مدت ۲۷ سال بر این کشور حکمرانی کرد، پای صندوق های رأی رفتند تا رییس جمهوری جدیدی را برای خود برگزینند.

شوکت میرضیایف، رییس جمهوری موقت ازبکستان که به مدت ۱۳ سال نخست وزیر این کشور بود، احتمالاً به راحتی می تواند در این انتخابات پیروز شود و برای پنج سال رییس جمهوری این کشور باشد.

اسلام کریماف پیش از فروپاشی شوروی بر ازبکستان حکمرانی می کرد. قبل از فروپاشی شوروی، او حاکم حزب کمونیست در منطقه بود. کریماف در جریان این مدت طولانی حکمرانی، به سرکوب بی رحمانه مخالفان و رسانه ها پرداخت و مکرراً از جانب گروه های حقوق بشر بین المللی به خاطر نقض حقوق بشر شامل کشتار و شکنجه در مظان اتهام بود. کریماف هرگز برای خودش یک جانشین تعیین نکرد. مرگ او در سپتامبر سال جاری میلادی سبب بروز نگرانی هایی شد، مبنی بر این که این کشور ۳۲ میلیونی سنی نشین پس از او چگونه اداره خواهد شد و این مسأله مطرح شد که درگیری بر سر قدرت می تواند به افراط گرایان اجازه دهد تا قدرت بگیرند یا از اوضاع به نفع خود بهره ببرند.

اما شوکت میرضیایف ۵۹ ساله بلافاصله رییس جمهوری موقت ازبکستان شد و بدون تنش توانست نظر موافق قبایل منطقه یی را به دست بیاورد و آن ها را با خود همراه سازد.

در انتخابات دیروز، شوکت میرضیایف با سه رقیب روبه رو است. دو تن از آن ها، "هوتمجون کتومونوف" و "نریمان عمروف" هستند که در انتخابات های قبلی در مقابل کریماف قرار گرفتند و هر کدام سه درصد آرا را کسب کردند. هیچ یک از این نامزدهای انتخاباتی به اندازه شوکت میرضیایف جدی نیستند و کاندیدای چهارم "سرور اوتامراتف" تنها برای آن که خودی نشان دهد در انتخابات شرکت کرده است.



رئال مادرید و یک منجی به نام سرخیو راموس



گل های حساس و مهم سرخیو راموس برای رئال مادرید او را به منجی این تیم تبدیل کرده است.

به گزارش آس، رئال مادرید دوشنبه شب در نوکمپ تا دقیقه ۹۰ از حریف قدیمی اش بارسلونا عقب بود اما توانست در لحظات پایانی و تعیین کننده بازی، گل مساوی را به ثمر برساند و از شکست فرار کند. سرخیو راموس دوباره منجی مادرید شد. مدافع اسپانیایی تا انتهای بازی باور خود را از دست نمی دهد که این موضوع باعث شده است گل ها تعیین کننده ای در دقایق پایانی بازی بزند. در ادامه به این گل ها اشاره می شود.

سکوت آلیانس آرنا و تسلیم شدن نویر

مادرید پیش از رسیدن به فینال ۲۰۱۴ لیسبون در لیگ قهرمانان اروپا، باید با بایرن مونیخ پپ گواردیولا در آلیانس آرنا بازی می کرد. سفیدپوشان در بازی رفت با تک گل کریم بزما پیروز شده بودند و در بازی برگشت کمی با خیال راحت بازی می کردند. در حالی که ۲۰ دقیقه به پایان، بازی با تساوی بدون گل در مونیخ در جریان بود، راموس با باز کردن دروازه مانوئل نویر، آلیانس را به سکوت واداشت. آلمانی ها با دو گل با ضربه سر از رسیدن به فینال بازماندند.

قهرمان Decima

اگر صحنه ای از فینال لیسبون در یادها باقی مانده باشد، بدون شک گل راموس در دقیقه ۹۲ است. آن لحظه یکی از به یادماندنی ترین لحظات برای مادریدی ها محسوب می شود. ضربه سر مدافع اسپانیایی، بازی را به وقت های اضافه برد و در آن ۳۰ دقیقه گرت بیل، مارسلو و کریستیانو رونالدو، سه بار دیگر دروازه اتلتیکو مادرید را باز کردند اما گل ارزشمند راموس باعث شد دهمین قهرمانی مادرید در بازی های اروپایی به دست آید.

تاثیرگذار در فتح جام جهانی باشگاه ها

راموس در جام جهانی باشگاه ها هم به عنوان یک مهاجم عمل کرد. او نخستین گل مادرید را در نیمه نهایی به ثمر رساند و باز هم در فینال گلزنی کرد. مدافع اسپانیایی گل نخست تیمش را در دقیقه ۳۷ برابر سن لورنسو آرژانتین به ثمر رساند و در نهایت مادرید با پیروزی دو بر صفر فاتح این رقابت ها شد. دوباره راموس دو گل با ضربه سر در این رقابت ها زد.

دو گل در دومین فینال لیگ قهرمانان

رئال مادرید دو سال بعد یک بار دیگر در فینال لیگ قهرمانان برابر اتلتیکو مادرید قرار گرفت و دوباره نخستین گل مادرید را راموس در دقیقه ۱۵ با ضربه پا در موقعیت آسان به ثمر رساند اما بازی در نهایت یک بر یک به پایان رسید. در وقت های اضافه، تویی از خط دروازه ها عبور نکرد. بازیکن اسپانیایی در پنالتی ها چهارمین ضربه را به گل تبدیل کرد. سپس خوان فرنان تویس به گل تبدیل نشد و رونالدو با گل کردن ضربه پایانی قهرمانی را برای سفیدپوشان به ارمغان آورد.

گل تاریخی در سوپر جام اروپا

سوپر جام ۲۰۱۶ اروپا بین تیم های سویا و رئال مادرید برگزار شد و بازم راموس مانع از آن شد که مادرید جامی از دست بدهد. در حالی که سفیدپوشان با گل مارکو آسنسیو پیش افتادند اما دو گل دریافت کردند. با این حال راموس در دقیقه ۹۳ گل تساوی را به ثمر رساند تا بازی در وقت های اضافه دنبال شود. در نهایت دنی کارواخال گل قهرمانی را در دقیقه ۱۱۹ وارد دروازه سویا کرد. بازم راموس نقش تعیین کننده ای در این قهرمانی داشت.

Mandegar

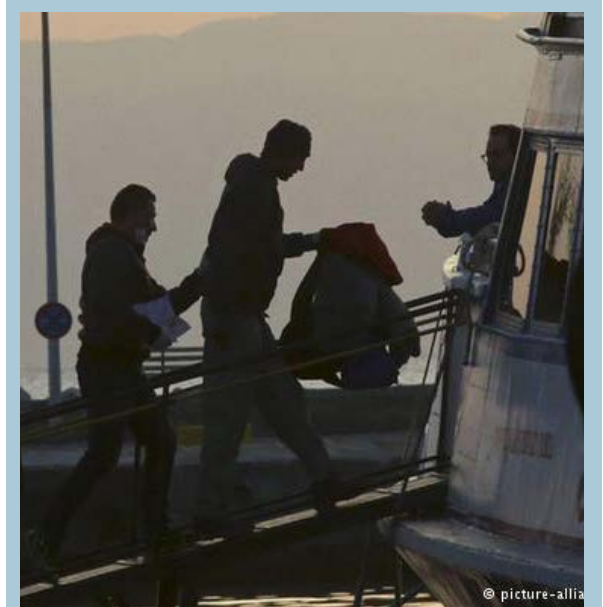
وداع کوبا با فیدل کاسترو



کوبا از نُه روز به این سو برای فیدل کاسترو عزاداری می‌کند. حالا کاروان موتورها، خاکستر جنازه او را برای خاکسپاری در شهر سانتیاگو دکوبا انتقال دادند. هزاران نفر در این مراسم شرکت کرده‌اند تا از رهبر انقلاب وداع بگویند. در شهر سانتیاگو دکوبا که به عنوان گهواره انقلاب کوبا اعتبار دارد، تابوت حاوی خاکستر رهبر انقلاب، فیدل کاسترو دفن می‌شود که ۲۵ نوامبر در سن ۹۰ سالگی فوت کرد. با مراسم خاکسپاری در گورستان سانتا ایفینگیا، عزاداری نُه روزه دولتی پایان می‌یابد.

ده هزار انسان در برابر موتو جیب حامل تابوت فیدل کاسترو درود فرستادند که از روز چهارشنبه به این سو از میدان انقلاب در هاوانا پایتخت در مسیر ۹۰۰ کیلومتری شهر سانتیاگو روان بود. مردم در حالی که بیرق کوبا را به دست داشتند، فریاد می‌زدند: «فیدل، رفیق، مردم با توست.» در مراسم خاکسپاری از جمله نیکلاس مادورو رئیس جمهور ونزوئلا، اوو مورالس رییس جمهور بولیویا و نیز دیگو ماردونا فوتبالیست افسانه‌ی شرکت کردند.

کاروان موتورهای عزاء، شهرهای متعدد این دولت سوسیالیستی را پشت سر گذاشت. ده‌ها هزار مردم برای وداع به سرک‌ها برآمدند. در این مدت زمان، استعمال الکحول ممنوع اعلام شد و همه کانسرت‌ها و مراسم ورزشی به تأخیر افتاد. کاروان موتورهای عزاء از هاوانا به سوی شهر



تاکید بر هماهنگ کردن اخراج مهاجرین رد شده از آلمان

اداره آلمان فدرال در امور مهاجرت و پناهندگی بر متقاضیانی که درخواست پناهندگی شان رد شده فشار وارد می‌کند تا هرچه زودتر به کشورهای شان برگردند. قرار است بازداشتگاه‌ها و نهادهای حفاظتی برای این کار ایجاد شوند. در بررسی شرکت مشورتی "مک کینسی" که براساس سفارش اداره آلمان فدرال در امور مهاجرت تهیه شده، قرار است پناهندگان رد شده هرچه زودتر به کشورهای شان برگشت داده شوند.

روزنامه آلمانی "ولت ام زونتاک" روز یکشنبه گزارش داده که مشاورین شرکت مشورتی "مک کینسی" در سطح تمام ایالات آلمان فدرال تقاضا کرده‌اند که جریان برگشت دادن پناهجویان رد شده را با هماهنگی مشترک مدیریت کنند. در این بررسی افزوده شده که "در این زمینه باید بازداشتگاه‌ها و نهادهای حفاظتی ایجاد شود." افزون بر آن باید برای تشویق برگشت‌های داوطلبانه پناهجویان رد شده، پرداخت‌های مالی برای آنها افزایش یابد و در این زمینه، به یک "جریان ثبت دیجیتالی موثر در مراکز ثبت نام مهاجرین"، کارمندان بیشتر در ادارات امور خارجی و مرکزیت مسئولین در ایالات آلمان نیاز است. در این مورد پناهجویان رد شده به دلیل بیماری یا فقدان اسناد، باید برای مدتی در کشور بمانند و در این صورت به آنها پول نه، بلکه فقط بسته‌های خوراکی و اشیای مورد نیاز داده شود.

براساس گزارش روزنامه "ولت ام زونتاک"، بررسی "مک کینسی" تا پایان سال ۲۰۱۷، یک افزایش برگشت پناهجویان رد شده را دست کم تا ۴۸۵ هزار نفر پیش بینی می‌کند، اما نظر به این پیش بینی، سالانه فقط ۸۵ هزار واقعاً از آلمان خارج می‌شوند.

در این صورت هزینه‌های مجموعی برای پناهجویان اخراج شده حدود سه میلیارد یورو تمام خواهد شد. هزینه برای بررسی شرکت مشورتی "مک کینسی"، ۱.۸ میلیون یورو تمام شده که اداره آلمان فدرال در امور مهاجرت آن را پرداخت کرده است.

از آن جمله است. او مثلاً به مردم اجازه فعالیت در چارچوب تصدی‌های خصوصی را داد و به این ترتیب کوبایی‌ها اجازه یافتند تا به رستوران‌داری، توریسم و فعالیت‌های خصوصی اقدام کنند.

رد کردن کیش شخصیت

طوری که راثول برادر و جانشین اش در شهر سانتیاگو دکوبا اظهار کرده؛ در کوبا باید در آینده هیچ بنا برای یادبود رهبر انقلاب ایجاد نشود. فیدل کاسترو با تاکید دستور داده بود که برای او نه مجسمه پرپا کنند و نه سرک‌ها یا نهادهای نام او نامگذاری کنند.

سانتیاگو، در مسیر مخالف راهی روان بود که توسط انقلابیون به نام "کاروان آزادی" مسما شد. در جنوری سال ۱۹۵۹، شورشیان به رهبری فیدل کاسترو، بعد از پیروزی علیه سربازان دیکتاتور باتیستا، با جشن پیروزی از شهر سانتیاگو به هاوانا پایتخت این کشور آمدند.

رسیدن به سانتیاگو دکوبا

کاسترو تا سال ۲۰۰۶ که قدرت را به برادرش راثول واگذار کرد، حدود ۴۷ سال بر کشور حاکم بود. راثول کاسترو بر خلاف برادرش که کوبا را در جهان خارج منزوی کرد، با احتیاط یک سیاست باز را اختیار کرد. گشایش روابط دپلوماتیک با دشمن دیرینه ایالات متحده امریکا

سازمان ملل از وضعیت نگهداری کودکان زندانی در افغانستان ابراز رضایت کرد

نوجوانان زندانی به جامعه بیشتر تمرکز کند. مایکل هارتمن، رییس بخش حاکمیت قانون دفتر یوناما گفته‌است: "تحقیقات ما نشان می‌دهد که تلاش‌های دولت برای رسیدگی به نیازهای نوجوانانی که تحت نظارت به سر می‌برند، بهبود یافته است."

او افزوده است که وزارت‌های عدلیه و معارف افغانستان هنوز هم به حمایت بین‌المللی جهت بهبود وضعیت محل زندگی و برنامه‌های جدید برای توانمند سازی نوجوانانی که در بند هستند، نیاز دارند. این نهاد افزوده که کل این تحقیق نشان می‌دهد که افغانستان در زمینه دسترسی به معیارهای قابل قبول جهانی پیشرفت داشته ولی سطح پیشرفت در ۳۴ مرکز اصلاح و تربیت کودکان در سراسر این کشور یکسان نیست.

این نهاد افزوده که نارسایی‌ها بیشتر در مراکز دیده می‌شود که توسط وزارت عدلیه افغانستان ایجاد شده‌اند. بر اساس این گزارش، حکومت افغانستان استفاده از اکثر مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز را ممنوع کرده‌است.

این نهاد افزوده که در اکثر مراکز محل نگهداری کودکان، این نوجوانان از دیدار با خانواده‌های شان محروم می‌شوند که با قوانین افغانستان سازگاری دارد ولی با قواعد بین‌المللی سازگاری ندارد و افغانستان باید قوانین داخلی خود را بازنگری کند. در گزارش این نهاد تاکید شده که این کودکان از نظر تغذیه، نحوه نگهداری و مراقبت از آنها در شرایط مناسب قرار دارند.



دفتر نمایندگی سیاسی سازمان ملل در افغانستان (یوناما) از روند نگهداری و رفتار نهادهای حکومتی افغانستان با زندانیان کودک در این کشور ابراز رضایت کرده‌است.

براساس تحقیق این نهاد از مراکز اصلاح و تربیت کودکان، در این مراکز تدابیری در نظر گرفته شده که با معیارهای حداقلی که توسط سازمان ملل در نظر گرفته شده سازگاری دارد.

سازمان ملل افزوده است که در این مراکز بیش از یک هزار کودک نگهداری می‌شوند که حدود ۱۰۰ نفر آنان دختران نوجوان هستند. این نهاد به دولت افغانستان پیشنهاد کرده است که بر بازگشت

انستیتوت زبان های خارجی افغان

برنامه ویژه جرمنی
محواره زبان چینیایی

برنامه ویژه هالندی
محواره زبان ترکی

انگلیسی، هالندی، سویدنی، نارویجی، بلجیمی، جرمنی، ترکی، عربی، چینیایی، روسی، فرانسوی، دری، پشتو
آدرس: گولابی سینما، خیر خانه، کابل افغانستان
تلفون: 0773133327-0787030142-0799895665
Afghan Foreign Language Institute

